

پرده‌نشینان عهد ناصری

نگاهی به حیات اجتماعی زنان در عهد قاجار

نویسنده:

دکتر پریسا کدیور



نشر گل آذین

۱۳۹۶

فهرست مطالب

۱۷.....	گفتار اول / به قدرت رسیدن ایل قاجار
۲۲.....	ازدواج‌های سیاسی عامل مهم تداوم سلسله قاجار
۳۱.....	گفتار دوم / موقعیت اجتماعی زنان در عهد قاجار
۷۷.....	گفتار سوم / پوشاک زنان در عهد قاجار
۷۸.....	پوشش زنان شهری
۸۳.....	پوشش زنان دربار قاجار
۸۸.....	پوشش بیرونی زنان شهری
۹۶.....	پوشش زنان روستایی و ایلاتی
۱۰۵.....	گفتار چهارم / زنان و تحولات سیاسی، مذهبی عهد قاجار
۱۰۵.....	زنان و جنبش مشروطه‌خواهی
۱۴۷.....	فرقه بایه
۱۵۲.....	زنان و فرقه بایه
۱۵۶.....	قره‌العین ؛ از سران فرقه بایه
۱۶۰.....	نقش قره‌العین در ترور آیت‌الله العظمی حاج ملا تقی برغانی قزوینی («شهید ثالث») ...
۱۶۵.....	قره‌العین و ماجرای کشف حجاب در «بدشت»
۱۷۳.....	گفتار پنجم / وضعیت آموزش دختران در عهد قاجار
۱۹۸.....	گفتار ششم / زنان نامدار عهد قاجار
۱۹۸.....	زنان متنفذ دربار قاجار
۱۹۹.....	آسیه خانم (مادر فتحعلی‌شاه)، مهد علیای اول

- ملک جهان خانم (مادر ناصرالدین شاه)؛ مهد علیای سوم ۲۰۲
- انیس الدوله؛ پرنفوذترین همسر ناصرالدین شاه در عرصه سیاست ۲۱۲
- زنان واقف در دوره قاجار ۲۲۱
- ملک تاج خانم (نجم السلطنه)؛ بنیانگزار نخستین بیمارستان خصوصی در تهران ۲۲۲
- گوهر آغا جوانشیر؛ از بزرگترین زنان واقف عهد قاجار ۲۲۸
- تاج ماه بیگم؛ از واقفان بزرگ شهر تبریز ۲۳۱
- زهره تاج السلطنه؛ پیشروترین زن تحول‌خواه عهد قاجار ۲۳۱
- زنان روزنامه نگار عهد قاجار ۲۳۵
- مزین السلطنه؛ مؤسس «انجمن خواتین ایران» و نشریه «شکوفه» ۲۳۶
- صدیقه دولت‌آبادی؛ مؤسس نشریه «زبان زنان» و انجمن «شرکت خواتین اصفهان» ۲۳۹
- محترم اسکندری؛ مؤسس انجمن و نشریه «نسوان وطن‌خواه ایران» ۲۴۱
- شهناز آزاد (شهناز رشیدی)؛ مؤسس نشریه «نامه بانوان» ۲۴۲
- زنان شاعر و نویسنده دوره قاجار ۲۴۳
- بی‌بی جان حیاتی کرمانی؛ صاحب دیوان شعر «حیاتی» ۲۴۶
- تاج‌ماه خانم؛ نگارنده «کلیات تاج‌ماه خانم» ۲۴۸
- شمس کسمایی؛ نخستین زن شاعر نوگرا ۲۴۹
- علویه خانم؛ نویسنده کتاب «روزنامه سفر حج، عتبات عالیات و دربار ناصری» ۲۵۰
- سلطان خانم؛ نویسنده دو اثر «مجمع الاحادیث» و «انوار التحقیق» ۲۵۲
- سکینه سلطان وقار الدوله؛ نویسنده ۲۵۲
- فروغ الدوله؛ نایب حکومت کرمان ۲۵۳
- فخر جهان؛ خوشنویس و مرقع‌کار ۲۵۳
- سخن آخر ۲۵۵
- کتابشناسی ۲۵۹
- نمایه ۲۶۹

گفتار اول

به قدرت رسیدن ایل قاجار

پس از مرگ کریمخان زند در سال ۱۷۷۹/۱۱۹۳ ایران وارد یک دوره جنگ‌های داخلی میان مدعیان تاج و تخت شد. از میان مدعیان کوچک و بزرگ قدرت که از ایل و طایفه‌های گوناگون بودند، سه گروه بزرگتر و قدرتمندتر از بقیه مدعیان بودند؛ گروه نخست، شاهزادگان خاندان زند در جنوب غربی ایران بودند. گروه دوم، بازماندگان سلسله افشاریه در ناحیه خراسان و شمال شرقی و گروه سوم، ایل قاجار در شمال ایران بودند.

ایل قاجار ایلی بزرگ و مجموعه‌ای از عشایر ترک زبان بودند که تبارشان قره‌باغی بود. آنها در دوره حکومت آق قویونلوها از شام به آذربایجان آمدند و در قره‌باغ ساکن شدند. قاجارها در برپایی حکومت صفوی نقش مهمی داشتند.^۱ در زمان شاه عباس اول این ایل بزرگ به سه شاخه تقسیم شد. شاه عباس با تقسیم این ایل، یک دسته را در شمال خراسان مستقر ساخت تا در مقابل دسته‌جات اُزبک بایستند، دسته دیگر را در استرآباد، گرگان امروزی قرار داد که

۱. تکمیل همایون، ناصر، «پایگیری نظام قزلباش و نقش قاجارها»، گاهنامه تاریخ معاصر ایران،

با ترکمن‌ها مقابله نمایند و دسته سوم را به آذربایجان کوچاند تا سدی در برابر ترکان عثمانی و صحرائشینان قفقاز باشند.

دسته اول از عرصه تاریخ ناپدید شدند، دسته سوم با افشارهای شمالی در آمیختند و دسته دوم با آنکه به دو گروه اشاغه‌باش (پایین سر) و یوخاری‌باش (بالاسر) تقسیم شدند. در اواسط قرن دوازدهم هجری از نو قدرت یافتند. آقامحمدخان از طایفه نیرومند قویونلو از گروه اشاغه‌باش بود، که توانست در طی دهه‌های ۱۷۹۰-۱۷۸۰ م به تدریج کشور را به تسخیر خود درآورد.

آقامحمدخان قاجار که کودکی خود را به عنوان گروگان نزد کریمخان گذرانده بود، پس از مرگ او از شیراز گریخت و خود را به مازندران و طایفه‌اش رسانید. در گام نخست، او موفق شد طوایف مختلف ایل قاجار (قویونلوها از اشاغه‌باش و دولوها از یوخاری‌باش) را با هم متحد نماید و سپاهی مهیا کند تا دیگر طوایف مازندران و آذربایجان را با خود همراه نماید. پس از آن، وی عازم غرب و مناطق مرکزی گردید تا طوایف و قبایل مختلف که هر کدام برای خود داعیه قدرت داشتند را مطیع خود سازد و سرانجام با شکست لطفعلی‌خان زند در منطقه بم کرمان آخرین مدعی تاج و تخت را از مقابل برداشت.

چیرگی آقامحمدخان قاجار بر شاهزاده زند خود داستانی ناگوار دارد: «خان قاجار که از خشم و کین تقریباً دیوانه شده بود، فرمان داد تمام مردان شهر را به قتل آرند یا کور کنند، زنان و کودکان را هم به بردگی به سربازان خود بخشید و قلعه بم با خاک یکسان شد. لطفعلی‌خان هم که به جانب بم گریخت، در آنجا دستگیر شد و او را در بند و زنجیر کشیدند. خان قاجار بدست خود، چشم او را کند و او را معروض خفت و اهانت شدید ساخت و در نزدیک بم در محلی که خان زند دستگیر شد، کله مناری بر پا گشت. لطفعلی‌خان را از آنجا به طهران فرستادند و درخیمان در آنجا او را به خواری و شکنجه بسیار کشتند.»^۱؛ اما تلخ‌تر

۱. زرین‌کوب، عبدالحسین، روزگاران، انتشارات سخن، چ ششم، ۷۶۴-۷۶۳.

و سیاه‌تر از این داستان، روایت مصائب زنان و کودکان کرمان است، در جریان تسخیر این ولایت توسط آقامحمدخان بنیانگذار قاجاریه در جریان جنگ با لطفعلی‌خان زند در ولایت کرمان فجایعی صورت داد که مورخان گوشه‌ای از آن را به قلم آوردند. شیخ یحیی احمدی در «فرماندهان کرمان» آورده است که سپاهیان آقامحمدخان پس از ورود به شهر کرمان «دوشیزگان هشت نه ساله را فضیحت می‌کردند و رهسپار عدم می‌ساختند»^۱؛ احمدعلی خان وزیری نیز در «تاریخ کرمان» می‌نویسد: «هنگام طلوع، آقامحمدخان تمامی سپاه را به نهب و اسر [خرابی و اسارت] شهر کرمان رخصت داده، مردان ایشان عرصه شمشیر آبدار و طفلان و نسوان ایشان به قید اسارت گرفتار شدند ... حکم فرمود تا بقیه السیف سکنه آن خطه را از اعلی تا ادنی و از پیر تا برنا از عارف تا عامی از عالم تا امی از مرد تا زن و ... از مشایخ تا صبیان [بچه‌ها] همگی را به ربقه اسر در آورده ملتزم اردو به دارلخلافه تهران رسانند و این واقعه در شهر سنه ۱۲۰۹ از هجرت مقدس رخ نموده.» در ادامه شرح ماقع، وزیری به نقل از میرزا ملکم خان تصریح می‌کند که در واقعه فتح کرمان آقامحمدخان قریب به هشت هزار نفر از زنان و اطفال را به سپاهیان خود بخشید.^۲ با همه سفاکی‌هایی که آقامحمدخان در فتوحاتش برای تثبیت قدرت و ایجاد رعب و وحشت در دل رقبا و دشمنانش انجام داد؛ نمی‌توان روی دیگر واقعیت را هم نادیده گرفت که وی اولین زمامدار بعد از نادرشاه افشار بود که نه تنها توانست ایران را یکپارچه نماید، بلکه با تصرف بخش‌هایی از آسیای میانه مجدداً مناطق ماوراء قفقاز را به ایران ضمیمه کرد، تا مرزهای ایران به گسترده‌گی دوران صفویه نزدیک سازد.

۱. احمدی کرمانی، شیخ یحیی، فرماندهان کرمان، به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، نشر علم، ج چهارم، ۱۳۷۰، ۴۰.

۲. وزیری، احمدعلی خان، تاریخ کرمان، با توشیح و مقدمه دکتر باستانی پاریزی، ابن سینا، ۱۳۵۲، ۷۶۶-۷۴۸.